

معرفی برخی مناطق

حاشیه‌ای کلانشهرها

با توجه به این که بیشترین حاشیه‌نشینان در دو استان تهران و البرز زندگی می‌کنند، بدیهی است که بیشترین تعداد مناطق حاشیه‌ای نیز متعلق به این دو استان باشد. البته این حرف اصلا به این معنی نیست که در دیگر استان‌های کشور، مناطق حاشیه‌ای وجود ندارد و مثلاً در استان اصفهان، فارس و خراسان، تعداد بسیار زیادی از مناطق حاشیه‌ای در گوشه و کنار حریم اصلی شهر وجود دارد. این مناطق حاشیه‌ای، اشتراک‌های بسیار زیادی با یکدیگر دارند و مثلاً در بسیاری از این مناطق شاهد هستیم که بیشتر ساکنان آن از یک قوم و قبیله هستند و به صورت عشیره‌ای زندگی می‌کنند.

فقدان امکانات شهری نیز از جمله ویژگی‌های بارز و مشترک این مناطق است که در این نوشتار به برخی از این مناطق به طور اجمالی اشاره می‌کنیم.

■ زورآباد کرج یا اسلام‌آباد البرز

اگر از محلی‌ها بپرسید آنها دوست دارند که محله‌شان به همان اسم سابق «زورآباد» خوانده شود و تمایلی ندارند که محله‌شان نام جدیدی بگیرد.

این منطقه کم امکانات در شهر کرج واقع شده و جالب اینجاست که زورآباد در کنار یکی از مرفه‌ترین مناطق کرج به نام «عظیمیه» قرار دارد.

حتی اگر با پای پیاده حرکت کنید، می‌توانید در کمتر از ۱۵ دقیقه از عظیمیه به زورآباد برسید.

زورآباد روی کوه واقع شده و به همین دلیل نیز کوچه‌های آن، سربالایی است و رفت و آمد در این منطقه، بخصوص در فصل سرد و یخبندان، بسیار طاقت‌فرساست.

گفته می‌شود حدود ۱۳۰ هزار نفر در این منطقه زندگی می‌کنند و شغل اغلب آنها نیز کارگری، دستفروشی و کشاورزی است.

■ تهران، مهد حاشیه‌نشینان

استان تهران را می‌توان از جمله مناطقی به حساب آورد که تا دلتان بخواهد حاشیه‌نشین دارد.

بیشتر حجم حاشیه‌نشینی در شهر تهران را می‌توان به منطقه ۱۶ پایتخت نسبت داد که از بعد توزیع امکانات نیز در درجه پایینی قرار دارد.

اما در استان تهران، مناطق حاشیه‌ای با نام پاکدشت، احمدآباد و قیامدشت، دارای بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین هستند. پاکدشت، وسعتی معادل ۶۱۰ کیلومتر دارد که در جنوب شرقی شهر تهران واقع شده است؛ اگرچه در برخی مناطق پاکدشت، نشانی از ساختمان‌های امروزی و بناهای مدرن دیده می‌شود، اما در بسیاری از مناطق آن، ساکنان در هر جایی که توانسته‌اند به ساخت سکونتگاه‌های غیررسمی روی آورده‌اند.

■ سراسر ایران، مملو از حاشیه‌نشینان

منطقه‌های داداش‌آباد، سیلاب، حافظ، خلیل‌آباد و طالقانی در شهر تبریز، مناطق حصار، شاه‌پسند و کشتارگاه در استان همدان، همچنین خواجه ربیع در مشهد و مناطق قرب‌آباد و کریم‌آباد در زاهدان نیز از جمله مناطق مشهوری است که تعداد زیادی از حاشیه‌نشینان در آنجا زندگی می‌کنند.

در کلانشهر شیراز نیز حاشیه‌نشینان کم نیستند و مثلاً می‌توان منطقه «دست‌خضر» را به عنوان مثال روشنی از توسعه نامتوازن این شهر به حساب آورد.

به دلیل پایین بودن قیمت زمین و مسکن، بسیاری از مهاجران جدید شیراز در این منطقه سکونت دارند و البته فاصله این منطقه تا مرکز شهر، کمتر از ۲۰ کیلومتر است.



وصله ناجور شهر

هنوز هم حاشیه‌نشینی در بسیاری از کلانشهرهای کشور، محرومیت و آسیب‌های اجتماعی متعددی به بار می‌آورد



نکته

اغلب حاشیه‌نشینان از گروه‌های مهاجری تشکیل می‌شوند که سرمایه خاصی برای از دست دادن ندارند، آنها اغلب در شهرهای کوچکی زندگی می‌کرده‌اند که با مهاجرت به شهرهای بزرگ، به دنبال آرزوهای حداقلی هستند



بسیاری از ساکنان مناطق حاشیه‌نشین به محدوده اصلی شهر آورده شده‌اند. به همین دلایل نیز به نظر می‌رسد تا زمانی که رفع مشکلات حاشیه‌نشینان در اولویت جدی مسئولان قرار نگیرد، باید منتظر باشیم هر روز در گوشه و کنار شهر، وصله‌ای ناجور به بافت کلانشهرها اضافه شود.

نمی‌تواند جوابگوی نیاز همه شهروندان باشد. خدمتگذار بر این باور است که با سیل مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ، دیگر ظرفیت امکانات شهری نمی‌تواند پاسخگوی نیاز همه شهروندان باشد و در نتیجه سکونتگاه‌های غیررسمی برای پاسخ به نیازهای حاشیه‌نشینان به وجود می‌آید.

این جامعه‌شناس تصریح می‌کند: شکی نیست که یکی از مهم‌ترین دلایل حاشیه‌نشینی، توزیع نامتوازن ثروت در کلانشهرهاست؛ یعنی وقتی امکانات بهداشتی، رفاهی و عمرانی به‌طور عادلانه بین همه شهروندان توزیع نشود و اهم این امکانات در مراکز اصلی کلانشهر تجمع شود، فقدان امکانات شهری در حاشیه آن شهرها نمودار می‌شود.

وی با بیان این که حاشیه‌نشینی در شهرهای کوچک موضوعیت چندانی ندارد، یادآور می‌شود: در سطحی کلان‌تر، توزیع نابرابر ثروت بین شهرهای بزرگ و کوچک، خود به خود موجب می‌شود که حاشیه‌نشینی در کلانشهرها

رفتن زمین‌های بسیاری از کشاورزان، تقاضا برای اشتغال کارگران غیرماهر نیز بالا رفت. تقاضای روزافزون نیروی انسانی غیرماهر در آن سال‌ها موجب شداسکان موقت در حاشیه شهرها رواج پیدا کند.

وی می‌افزاید: با گذشت سال‌های متوالی از دهه ۵۰، جمعیت شهر نشین ایران، روز به روز بیشتر شد؛ طوری که مطابق سرشماری سال ۹۰، هم‌اکنون بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور در شهرها سکونت دارند که البته بخش بزرگی از این جمعیت در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.

■ از مهاجرت تا گمنامی

حاشیه‌نشینی ارتباط تنگاتنگی با بحث مهاجرت دارد، طوری که می‌توان گفت اغلب حاشیه‌نشینان شهرها از مهاجرانی هستند که نتوانسته‌اند اقامتگاهی در قلب شهر پیدا کنند. خدمتگذار می‌گوید: اغلب حاشیه‌نشینان از گروه‌های مهاجری تشکیل می‌شوند که سرمایه خاصی برای از دست دادن ندارند، آنها اغلب در شهرهای کوچکی زندگی می‌کرده‌اند که با مهاجرت به شهرهای بزرگ، به دنبال آرزوهای حداقلی هستند. در واقع می‌توان این گونه بیان کرد که جاذبه کلانشهرها، عاملی می‌شود که مهاجران فقیر را به حاشیه شهرهای بزرگ می‌راند و همین عامل به گسترش حاشیه‌نشینی دامن می‌زند.

وی با بیان این که جاذبه کلانشهرها همچون کاتالیزوری عمل می‌کند که مهاجران کم‌بضاعت را به حاشیه شهرهای بزرگ می‌کشاند، ادامه می‌دهد: وجه مشترک بسیاری از حاشیه‌نشینان، گمنامی است که باعث می‌شود زندگی در شرایط سخت آسان‌تر شود. گمنامی باعث ایجاد درد مشترک بین حاشیه‌نشینان می‌شود که تحمل شرایط سخت را راحت‌تر می‌کند.

■ توزیع نابرابر ثروت، مولد حاشیه‌نشینی

بدیهی است که ظرفیت امکانات شهری محدودیت معینی دارد، مثلاً برای شش میلیون شهروند یک شهر، تعداد محدودی مسکن جوابگوست، اما اگر جمعیت شهر به یکباره به هفت میلیون نفر برسد، ولی تعداد واحدهای مسکونی ثابت بماند، در آن صورت تعداد واحدهای مسکونی در آن شهر

امین جلالوند / گروه جامعه

حاشیه‌نشینی را بلای مزمن شهرنشینی می‌دانند که عوارض و آسیب‌های اجتماعی آن، دیر یازودامن همه شهروندان را می‌گیرد.

اسکان غیررسمی گروهی از شهروندان در حاشیه شهرها و مناطق دورافتاده و محروم شهر، پدیده‌ای به نام حاشیه‌نشینی را پدید آورده است که علاوه بر ساکنان حاشیه شهر، سایر شهروندان نیز از آسیب‌های آن در امان نیستند. گرچه حاشیه‌نشینی در اغلب شهرهای کشور، کم و بیش وجود دارد، اما این آسیب اجتماعی در کلانشهرها بیشتر مشاهده می‌شود.

شکی نیست که بین فقر و حاشیه‌نشینی رابطه مستقیمی وجود دارد و همین که گروهی از شهروندان قادر نیستند برای اسکان و زندگی در مرکز کلانشهرها زندگی کنند و مجبور می‌شوند به حاشیه ناامن و کم امکانات شهرهای بزرگ پناه بیاورند، نشان می‌دهد تا وقتی عدالت اجتماعی و اقتصادی در شهرهای بزرگ کشور برقرار نشود، مشکل حاشیه‌نشینی نیز حل نخواهد شد.

■ تولد حاشیه‌نشینی در ایران

برای حاشیه‌نشینی واژه‌های مترادف و همسان زیادی می‌آورند. تصرف غیرقانونی زمین در شهرها، آلودگی، کمپرنشینی و حلبی‌آباد از جمله رایج‌ترین توصیف‌ها از حاشیه‌نشینی است.

حاشیه‌نشینی یک پدیده ناگوار اجتماعی است که به شکل‌های مختلفی بروز پیدا می‌کند. بدون اتکا به تعاریف مختلف می‌توان گفت حاشیه‌نشینی، شیوه‌ای از اسکان غیررسمی در شهرهاست که فرد به دلیل مهاجرت و فقر، مجبور می‌شود در نقطه‌ای دورافتاده از شهر و امکانات شهری زندگی کند.

دکتر موسی خدمتگزار خوشدل، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه در گفت‌وگو با «جام‌جم» می‌گوید: می‌توان دهه ۵۰ شمسی را نقطه شروع پدیده حاشیه‌نشینی در ایران دانست. در آن سال‌ها با رواج مدرن سازی شهرها و از دست

قانون و حقوق دیگران، زندگی مسالمت‌آمیزی با سایر همشهریان‌شان دارند، اما واقعیت این است که ساختار مناطق کیرنشین و حلبی‌آبادها به گونه‌ای است که پتانسیل بروز جرایم در آنجا بسیار بالاست.

خدمتگذار معتقد است گمنامی موجب می‌شود که ارتکاب به جرایم در مناطق حاشیه‌نشین با شدت بیشتری اتفاق بیفتد. وی خاطر نشان می‌کند: توزیع نابرابر ثروت در حاشیه شهرها، باعث می‌شود گاهی فقر و بیکاری به ارتکاب جرایم هم ختم شود؛ به همین دلیل شاهد هستیم که قاچاق و مصرف مواد مخدر، فحشا و دزدی در حاشیه‌نشینان بیشتر است.

■ راه‌حل چیست؟

اگر بخواهیم با پدیده حاشیه‌نشینی آرمان‌گرایانه برخورد کنیم، باید بگوییم راه‌حل قطعی رفع مشکل حاشیه‌نشینی، توسعه متوازن همه شهرها و روستاها و همچنین توزیع عادلانه ثروت در مناطق مختلف کلانشهرهاست، اما واقعیت این است که رسیدن به چنین شرایطی، به عزم ملی و برنامه‌ریزی طولانی مدت نیاز دارد که همین کار نیز چند سال به طول می‌انجامد.

خدمتگذار با اشاره به این که راه‌حل‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدتی هم برای رفع این مشکل وجود دارد، می‌گوید: به نظر م باید ابتدا حریم هر شهر تعیین شود. یعنی شهرداری هر کلانشهر بگوید که حریم اصلی شهر کجاست.

وی توضیح می‌دهد: وقتی حریم کلانشهر تعیین شد، آن‌گاه شهرداری موظف شود که در همه مناطق اصلی شهر، امکانات برابری توزیع و مناطق حاشیه‌ای شهر را سامان دهی کند؛ یعنی ضمن رعایت احترام حقوق حاشیه‌نشینان، آنها را به مناطق داخل شهر انتقال دهد. البته بنازی طرح جامع

تفصیلی شهر تهران تدوین شده است، اما داستان اینجاست که با وجود تعیین محدوده اصلی شهر، همچنان با رشد قارچ‌گونه مناطق حاشیه‌نشین روبه‌رو هستیم؛ مناطقی که در آن، کمترین استاندارد ساختمان‌سازی رعایت و روز به روز نیز بر تعداد این مناطق افزوده می‌شود.

به بیان دیگر، با وجود تعیین محدوده شهر، نه امکانات عادلانه‌ای در اختیار ساکنان محدوده اصلی کلانشهرها قرار داده شده است و نه

بسیاری از ساکنان مناطق حاشیه‌نشین به محدوده اصلی شهر آورده شده‌اند. به همین دلایل نیز به نظر می‌رسد تا زمانی که رفع مشکلات حاشیه‌نشینان در اولویت جدی مسئولان قرار نگیرد، باید منتظر باشیم هر روز در گوشه و کنار شهر، وصله‌ای ناجور به بافت کلانشهرها اضافه شود.

جدول شماره ۳۶۴۸/ بیژن گورانی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															

جدول عادی

افقی: ۱ – چهل – مولد

الکتریسته – مخفف اگر ۲–

هدف تیراندازی – خمیده

و گمانی– وسع ۳– کچل–

پیامبر خوش صدا – بسیار سخت

و مشکل ۴– دبه– اماکن مقدس

زیارتی ۵– عدالت پیشه –پهنه و

گستره – واحد اندازه گیری جرم

۶– فوری – لغتنامه عرب‌ها –

مربوط به دنیای دیگر ۷–

ناز و کرشمه –از چهره‌های

سرشناس سینمای کمدی

جهان – کله ۸– تکیه کلام

تاریخ – عنوانی احترام‌آمیز برای مردان ترک – خجستگی ۶– پدر آذری – بدون انقطاع – ضربه‌ای در تنیس روی میز ۷– جریان مستقیم برق – پارچه تزئینی پرده – رایحه ۸– کرم کدو – جگرگوشه والدین – سبیل ۹ –شگرد –تحقیق –سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ۱۰ – فاقد خصلت‌های پسندیده – روشن کردن –خانه بزرگ ۱۱ – سم حشره کش – روزنامه ژاپنی –هنرپیشه مرد ۱۲ – ماسک – اثر ویکتور هوگو ۱۳ – نام سابق